

ایسکرا

۹۹۱

دبیر کمیته کردستان نسان نودینیان
Tel: 004915778789846
E-mail: nasan.nodinian@gmail.com

Tel: 004915142486244 تلفن تماس با ما ۱۵ خرداد ۱۳۹۸، ۵ ژوئن ۲۰۱۹ سردبیر عبدال گلپریان

جدال دولت آمریکا با جمهوری اسلامی و دورنمای احزاب ناسیونالیست کرد مصاحبه ایسکرا با محمد آسنگران

ایسکرا: پیشتر بتاريخ اول خرداد پیرامون جدال دولت آمریکا با جمهوری اسلامی گفتگویی داشتیم. در این قسمت و با توجه به روند اوضاع که اکنون قدری با دو سه هفته اخیر فرق کرده است و وارد مرحله دیگری شده است لازم دانستیم به این مسائل تازه هم بپردازیم. ظاهراً طی روزهای گذشته آمپر تبلیغات جدال دولت آمریکا با جمهوری اسلامی اندکی پایین کشیده شده. خامنه‌ای در آخرین گفت‌وایش درباره مذاکره بر سر نکات مورد نظر آمریکا گفت مذاکراتی بر سر «مسائل ناموسی انقلاب» در کار نخواهد بود؛ از جمله درباره مسائل نظامی جمهوری اسلامی. حسن روحانی یکشنبه ۱۲ خرداد در واکنش به پیشنهاد مقامهای آمریکایی برای مذاکره بدون پیش شرط با تهران، گفت که «طرف برهم زننده میز مذاکره» باید «به شرایط عادی برگردد» و تا آن زمان «راهی جز ایستادگی و مقاومت نداریم». علاوه بر این پمپئو در مورد شروط ۱۲ گانه مقطع شروع تحریمها، اکنون میگوید این ۱۲ بند پیش شرط نیستند بلکه موضوع میز مذاکره میباشدند و از سوی دیگر قرار است نخست وزیر ژاپن نقش میانجیگری ایفا کند. با توجه به اینها و مسایل دیگری از این دست آیا بنظر شما نوعی عقب نشینی از هر دو سو را شاهد هستیم؟ شما سیر تحولات در روزها و ماههای آینده جدال بین دولت آمریکا و جمهوری اسلامی را چگونه می بینید؟

محمد آسنگران: همچنانکه در مصاحبه قبلی هم گفتیم: "هر دو طرف خواهان جنگ نیستند اما در عین حال هر دو طرف نمیتوانند سالهای سال در چنین حالتی که نه جنگ و نه صلح باشد بسر ببرند." بنابراین اولین گزینه ممکن و کم هزینه برای دو طرف مذاکره است. اما با تمام این گفته‌های اخیر طرفین این جدال حتی اگر مذاکره را هم آغاز کنند به این معنی نخواهد بود که جدالشان تمام خواهد شد. زیرا جمهوری اسلامی هنوز در موقعیتی قرار نگرفته است که تماماً تسلیم خواسته‌های ترامپ بشود، در عین حال توان و امکان کسب امتیاز از آمریکا را هم ندارد. بنابراین ترامپ این مانورها را بخشا تحت تاثیر فشارهای داخلی و بین المللی آغاز کرده است که از این طریق میخواهد فشارها را خنثی و متحدینی برای خود پیدا کند. اگر چه صرف آغاز مذاکره شکستی برای جمهوری اسلامی محسوب میشود.

از نظر من سیاست آمریکا همان است که بود و تغییری نکرده است. تنها تفاوت این است که با این مانور دیپلماتیک میخواهد به همان اهدافی برسد که جمهوری اسلامی را رام کند. اما به دلایل زیادی چنین امری اگر نگویم ناممکن احتمالش صفحه ۲

این بار قتل زن توسط قاضی دادگستری اسلامی در سنجند عبدال گلپریان

صفحه ۲



من و منصور حکمت

صفحه ۳

نسان نودینیان

قتل زنان در حکومت اسلامی و آشفته فکری چپ ایدئولوژیک

صفحه ۴

عبدال گلپریان

اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

صفحه ۵

عزیزه لطفی

پاسخ به سوال یک دوست ناسیونالیست

صفحه ۶

اصغر کریمی

اطلاعیه های حزب

اطلاعیه خبری:

*آزادی ناهید خداجو و حسن سعیدی و

دو اعتراض کارگران اعتصاب کارگران کاغذ سازی پارس شوش

*اعتراضات معلمان برای آزادی همکاران زندانی خود و چند اعتراض کارگران صفحه ۷

در باره دستگیری و صدور احکام زندان و شلاق برای وکلای دادگستری در ایران

صفحه ۸

کمیته بین المللی علیه اعدام

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

این بار قتل زن توسط قاضی دادگستری اسلامی در سنندج

عبدل گلپریان

"بنا به اخبار منتشر شده روز ۱۲ خرداد ۹۸ یک قاضی دادگستری بنام "اصلان اکبرپور در شهر سنندج همسرش را به آتش کشید". رسانه های حکومت طبق معمول تلاش کردند این جنایت را همچون مورد محمد علی نجفی "اختلاف خانوادگی" نام گذاری کنند. گفته میشود که: "قاضی اکبر پور متعاقب این عمل از سوی ماموران پلیس آگاهی دستگیر شد و در بازداشت به سر می برد. همسر وی نیز که هویتش هنوز مشخص نیست به دلیل شدت جراحات به یکی از بیمارستان های تبریز منتقل شده است. این قاضی اهل تبریز پیشتر به دلیل ارتکاب تخلفات اداری به سنندج تبعید شده بود".

خبر کاملاً گویا و روشن است. فرقی نمیکند این قاتل از کدام شهر و یا از چه قاره ای ظهور کرده باشد. یک قاضی حکومت اسلامی پرورش یافته در مکتب قرآن و اسلام، مدافع قوانین اسلامی و متأثر از احکام قضایی اسلام علیه زن به چنین جنایتی دست زده است. این جایگاه زن در اسلام دهه دوم قرن بیست و یک و در حکومت اسلامی است. موجودی بنام "قاضی دادگستر"، قضاوت و داد علیه همسر را اینگونه به اجرا در آورده است.

لجنی بنام مذهب (اسلام، مسیحیت، یهودیت و دیگر شاخه های آن) امری بجز جنایت علیه زنان را در تاریخ موجودیت خود ثبت نکرده اند. روزی نیست که اخبار مربوط به تجاوز به دهها کودک از سوی کاربدستان کلیساها منتشر نشود. روزی نیست اخبار و گزارشات قتل، تجاوز و جنایت افراد و نیروها و کاربدستان حکومت اسلامی در زندان ها و بیرون زندانها منتشر نشود. این حکومت تولید کننده سعید طوسی ها، علی نجفی ها، مرتضوی ها و اکبرپورها است. این داستان تاریخ پیدایش مذاهب

و داستان چهار دهه از کارنامه حکومت اسلامی، حکومت آیت الله های دزد و باندهای مافیای زن کش و داستان جنایتکاران اسلامی حاکم در بالا کشیدن هستی و دسترنج کارگران و کل مردم و بازتولیدکنندگان زن کشی در ایران است. چنین جانورانی بر مسند امور یک مملکت قرار گرفته اند که برای صدور احکام خدا و قرآن علیه زنان، تنها با اتکا به زندان و تفنگ قادر شده اند هنوز سرپا بایستند. داعش دولتی و حکومتی، طالبان دولتی و حکومتی بر جامعه ای هشتاد میلیونی در ایران حکم میراند که پرونده این از گور برخاستگان طی چهار دهه گذشته، از ظهور خمینی و خلخالی ها و کاربدستان جوخه های مرگ گرفته تا مورد اخیر نجفی و اکبرپور مملو از جنایت و آدم کشی اسلامی، قانونی و حکومتی علیه مردم و در راس آنها علیه زنان بوده است.

برخلاف کسانی که گنج سرانه فکر میکنند که: "فرهنگ ناسیونالیستی و عشیره ای در کردستان غوغا میکند و بر این باورند که پاسخ زن کشان را باید با افراد و محافل زیرزمینی شان داده شود"، فرهنگ مدرن، انسانی و سوسیالیستی تاریخ و پیشینه ای قوی در مبارزه علیه اسلام و نیروهای اسلامی، علیه حکومت ضد زن و در دفاع از مبارزه آزادیخواهانه زنان در کردستان دارد. تداوم زن کشی، تداوم قتل های ناموسی و تداوم این دست از جنایات علیه زنان را باید در موجودیت و بقای این حکومت دید نه در "غوغای فرهنگ ناسیونالیستی و عشیره ای در کردستان". کسانی که بر این باورند که گویا "فرهنگ ناسیونالیستی و عشیره ای در کردستان غوغا میکند"، خواسته یا ناخواسته نقش اسلام و حکومت اسلامی و ماهیت زن ستیزانه آن را از زیر ضرب خارج میکنند.

از صفحه ۱ جدال دولت آمریکا با جمهوری اسلامی و ...



رژیم و ایدئولوژی ضد آمریکایی آن است. اگر روزی بخواهد از این دو مسئله عقب بنشیند آثاری از این رژیم باقی نخواهد ماند. ادامه سیاستهای تا کنونی هم بن بست است که جمهوری اسلامی در آن گرفتار شده است.

ایسکرا: طی سالهای گذشته تا به امروز مدام شاهد این سیاست و دورنما از سوی احزاب و جریانات ناسیونالیست کرد اپوزیسیون حکومت اسلامی بوده ایم که امید، افتخار و موقعیت آینده خود را به حمله نظامی آمریکا علیه جمهوری اسلامی گره زده اند. در صورت فروکش کردن این جدال و حتی در صورت مذاکره غیر مستقیم نمایندگان دولت آمریکا با حکومت اسلامی فکر میکنید مواضع و سیاست این جریانات در قبال تحولات منطقه چگونه خواهد بود؟

محمد آسنگران: احزاب و جنبشهای راست ناسیونالیستی چه در بعد سراسری مانند سلطنت طلبان و جمهوری خواهان و... که به ناسیونالیسم پرو غرب معروف هستند و چه در محدوده محلی و قومی مانند احزاب ناسیونالیست کرد و... نمیتوانند بدون اتکا به دولتها و قدرتهای منطقه ای و جهانی امیدی به پیروزی داشته باشند. تا کنون بارها با چنین سناریوهایی مواجه شده اند و منتظر اتفاقات بعدی مانده اند. این جریانات هر آن روزنه امیدشان از طرف قدرتهای منطقه ای و جهانی کور شده است تلاش کرده اند راهی برای سازش و مذاکره با خود جمهوری اسلامی پیدا کنند. هر آن بحران در منطقه بالا گرفته و تقابل قدرتهای منطقه ای و جهانی با جمهوری اسلامی شدت یافته آنها مقابله ترامپ و هیئت حاکمه آمریکا، یا با ادامه تحریمها و جنگ احتمالی مواجه خواهد بود. در هر دو حالت جمهوری اسلامی نه توان مقابله دارد و نه توان ادامه شرایط فعلی را برای طولانی مدت دارد. سیاست خارجی جمهوری اسلامی کلیدش در دست خامنه ای است. چه بسا همین حالا به نوعی مذاکرات پنهانی آغاز شده باشد اما مشکل جمهوری اسلامی، اسلامیت این

کم است. آنچه ما در پس این مانورها شاهدش خواهیم بود ادامه جدال و فشار بیشتر به جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی در یک بن بست لاینحل قرار گرفته است نه میتواند تسلیم و شکست را بپذیرد و نه امکان ادامه امتیاز گرفتن و برون رفت از زیر فشارهای خرد کننده فعلی را دارد. بنابراین این کارتهای بازی آمریکا همچنان به اشکال مختلف رو خواهند شد و تا اطلاع ثانوی این شرایط ادامه خواهد داشت.

ایسکرا: همچنانکه گفتید هر گونه کرش حکومت اسلامی بسمت مذاکره با دولت آمریکا عملاً قبول یک شکست است زیرا خامنه ای هر گونه مذاکره ای را ناموسی و قبیح اعلام کرده است. روحانی و فلاحت پیشه و بنوعی محمد جواد ظریف گفته اند اگر دولت آمریکا با احترام به جمهوری اسلامی نگاه کند مسئله مذاکره منتفی نیست، شما این تناقضات در سخنان کاربدستان حکومت را چگونه توضیح میدهید؟

محمد آسنگران: جمهوری اسلامی و ترامپ تا کنون از این حرفهای متناقض زیاد زده اند. همین جمهوری اسلامی سابقه نوشیدن جام زهر و نرمش قهرمانانه را در پرونده خود دارد. از نظر من مشکل عمیقتر از تناقض گویی مقامات جمهوری اسلامی است. آنها در یک بن بست لاینحل گیر کرده اند. بنابراین مذاکره کردن و مذاکره نکردن هیچکدام آنها را از این بن بست و بلاتکلیفی نجات نخواهد داد. بلاخره جمهوری اسلامی یا باید بپذیرد در چهارچوب سیاستهای آمریکا بازی کند این یعنی تسلیم در مقابل ترامپ و هیئت حاکمه آمریکا، یا با ادامه تحریمها و جنگ احتمالی مواجه خواهد بود. در هر دو حالت جمهوری اسلامی نه توان مقابله دارد و نه توان ادامه شرایط فعلی را برای طولانی مدت دارد. سیاست خارجی جمهوری اسلامی کلیدش در دست خامنه ای است. چه بسا همین حالا به نوعی مذاکرات پنهانی آغاز شده باشد اما مشکل جمهوری اسلامی، اسلامیت این

شراکت با جنگ و کشتار باشد یا مذاکره با خود جمهوری اسلامی تفاوت ماهوی برای آنها ندارد. بدون شک این مانورهای دیپلماتیک ترامپ شوکی به آنها وارد کرده است چرا که همه آنها منتظر آغاز جنگ آمریکا علیه جمهوری اسلامی بودند. اکنون که فتنه جنگ کمی پایین کشیده شده است روزنه امید این جریانات هم کم سو تر خواهد شد.

ایسکرا: نوعی میخوام همین پرسش را در قبال مبارزات مردم علی العموم در ایران و مشخصاً در کردستان مطرح کنم که تداوم وضع فعلی و یا نوعی فروکش کردن این تخاصمات و یا سرکشیدن جام زهر دیگری از سوی خامنه ای چه تاثیری بر روند مبارزات مردم علیه حکومت اسلامی خواهد داشت.

محمد آسنگران: مبارزه و مطالبات مردم ایران در مقابل جمهوری اسلامی ربطی به بحران و جنگ و صلح آمریکا و جمهوری اسلامی نداشته و ندارد. تنها تاثیری که مناسبات این دولتها بر مبارزات مردم خواهد داشت شرایط این مبارزات را متحول میکند. مردم در هر حالتی و در هر مناسباتی که این دولتها نسبت به یکدیگر داشته باشند، راهی بجز سرنگونی جمهوری اسلامی ندارند. با وجود این رژیم فقر و فلاکت و تحریم و سایه جنگ و نا امنی و... پایان پذیر نیست. آنچه کلید حل کل این مشکلات است سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی با قدرت اعتراض خود مردم است. بنابراین نه در حالت مذاکره و دوستی آنها و نه در حالت جنگ و جدال و رقابت آنها با همدیگر نباید مردم را چشم انتظار کند. مردم برای رهایی و رسیدن به یک زندگی آزاد و مرفه اولین قدمشان سرنگونی خود این رژیم است. ***

از صفحه ۲ این بار قتل زن توسط قاضی ...

من و منصور حکمت

نسان نویدیان



"سمنار کمونیسم کارگری" و "تفاوتهای ما" منصور حکمت مجرای برای شکل گیری کمونیسم انسانی و دخالتگری اجتماعی در من بوجود آمد. در کردستان طرفدار سرسخت بحثهای منصور حکمت بودم، بحثهای او در کنگره های ۵ و ۶ کومله (سازمان کردستان حزب کمونیست ایران) و دورنمای فعالیتهای کمونیستی در کردستان برای من مهم و تحت تاثیر آنها بودم.

و امروز که کارگران و مردم در ایران در التهاب سیاسی و اعتراضی عمیقی قرار دارند، رو در رویی سیاسی و اعتراضی کارگران و مردم وارد فاز کاملاً متفاوتی شده، سرنوشتی حکومت اسلامی و زیرو رو کردن نظام سرمایه امری مبارزاتی و روزانه است، و در شرایطی که حزب کمونیست کارگری در پیشاپیش و در قله بالای چپ و کمونیسم در سیاست و پراتیک و سازماندهی بکارگیری تئوری و سیاستهای منصور حکمت، تقویت حزب کمونیست کارگری و بدست گرفتن سیاستهای کمونیستی این حزب از هر دوره ای مهمتر و تعیین کننده تر شده است.

۴ ژوئن ۲۰۱۹



در شهر کوچک مریوان در خانواده ای فقیر متولد شدم. ۱۷ سال سن داشتم با سیاست آشنا شدم. در سن ۲۰ سالگی معلم شدم. و در همین سن با یک گروه کمونیست و سیاسی آشنا و عضو این گروه شدم. گروه ما اهل سیاست، مطالعه جمعی و پراتیک و عمل در میان کارگران و زحمتکشان بود. با تشکیل حزب کمونیست ایران و آشنایی و مطالعه متون "اتحاد مبارزان کمونیست" تحت تاثیر منصور حکمت قرار گرفتیم. پراتیک اجتماعی و حزبی ام از الگوهای کمونیسم کارگری و نقد طبقاتی منصور حکمت به دنیای امروز است. انسانها محصول جنبشهای فکری و اجتماعی دوره معاصر خودشان هستند. من و صدها کادر کمونیست در تشکیلاتهای علنی و داخل کشور محصول جنبشی هستیم که منصور حکمت از بنیانگزارش است.

نقطه عطفهای سیاسی و شکلگیری های فکری در زندگی فعالین سیاسی و بویژه کمونیستهایی که برای تغییر بنیادی، انقلاب سوسیالیستی و زیرو رو کردن سرمایه داری حاکم و دولت و نظامهای ظالمانه میکوشند، اتفاق میفتد. بحثهای

جنبش برابری طلبانه زنان در ایران و در شهرهای کردستان نه نیازی به سرزنش زنان مقتول دارد و نه نیازمند ایجاد جوخه های کماندو برای انتقام از مجرمان است. انتقام گرفتن از حکومت اسلامی بخاطر تحمیل چهار دهه فقر و فلاکت، برای تحمیل تبعیض و نابرابری و برای پایان دادن به تباهی در جامعه را باید به مبارزه متحده، متشکل و سازمانیافته کارگران، زنان و دیگر بخشهای مردم معترض و بستوه آمده سپرد و احزاب و نیروهای کمونیست در جهت این امر مهم مبارزات آنان را تقویت و سازمانیافته کرده و برای به پیروزی رساندن آن هدایت کنند. مردم شهرهای سنجند و مریوان که در این اواخر بیشترین قتلها و تعرض علیه زنان را شاهد بوده و تجربه کرده اند با ابراز وجود در تجمعات و اعتراضات خود علیه این وحشی گریها که بانی و مسبب آن حکومت اسلامی است و دست مجرمان زن کش را با اتکا به قوانین اسلامی اش باز گذاشته است، نخواهند گذاشت قتلهای ناموسی و هر گونه تعرض به حقوق زنان ادامه پیدا کند.

باید این هیولای در حال مرگ که نفسهای آخر خود را میکشد با قدرت انقلاب مردم انداخت و بزیر کشید. جنبش کارگری، جنبش برابری طلبانه زنان و مردان و دیگر جنبشهای رادیکال، مدرن و انسانی که خواب را از این پدیده ضد انسانی گرفته اند بدون تردید این وظیفه را به انجام خواهند رسانید.

۱۵ خرداد ۹۸

۵ ژوئن ۲۰۱۹

"خیانت" به همجنس خود در جهت تخریب یک زندگی دیگر که ظاهراً خاتمه یافته است نامگذاری میکند. از طرف دیگر معتقد است که مقتول گول قاتل را خورده است و بالاخره به این نتیجه میرسد که "عاقبت چنین زندگی چیزی جز خشونت و درگیری و احیاناً اشکال مختلف خیانت نیست؟" وقتی از تفاوت سنی حرف میماند، وقتی از گول خوردن مقتول سخن گفته میشود، وقتی از "خیانت" یک زن به زن دیگر قلم فرسایی میشود، پیداست که نه حاکمیت مورد سؤال است و نه قوانین مرد سالارانه و ضد زن آن. میترا استاد فارغ از هر موقعیتی که داشت اما بعنوان یک زن بعد از کشته شدنش بارها و بارها با چنین اظهار نظرهایی باز هم به او شلیک شد. یک قتل سیاسی و فراتر از آن زیر سایه قوانینی مردانه و ضد زن که بر جامعه حکم میراند، متأسفانه از سوی کسانی که خود را مدافع حقوق زن میدانند، به همان عبارت نخ نمای "اختلافات خانوادگی و شخصی" رایج که در رسانه ها و روزنامه های حکومتی تیتتر زده میشود تقلیل پیدا میکند. این گونه مواضع و بررسی ها بویژه در میان زنانی که خود را فعال حقوق زن میدانند بشدت مخرب و نادرست است. اینها اظهار نظرهای سطحی نگرانه ای هستند که قادر نیستند ریشه ماجرا را ببینند و بشکافند. قاضی کبریت بدست، شهردار هفت تیر کش و دیگر قداره بندان حکومتی و زن ستیز را باید با مبارزه ای بی وقفه سر جای خود نشاند.

از طرف دیگر و باز هم متأسفانه هستند زنانی که خود را مدافع حقوق زن میدانند و در مورد قتل میترا استاد بدست علی نجفی روایتی عجیب و غریبی از زن کشی بدست میدهند. به این مورد توجه کنید. کاربری که فعال حقوق زن است در صفحه فیسبوک خود نوشته است:

"زنی سی و چند ساله با هرانگیزه ای مالی و سیاسی به همسری مردی هفتاد ساله در میاید که دارای همسر و فرزند است یعنی به همجنسش خیانت کرده وینای زندگی را بر تخریب و ویرانه ی یک زندگی دیگر میسازد. و نجفی تحصیل کرده اروپا رفته با یک کامیون عساون پست و سیاستمداری کهنه کار گول خرده واقعاً نمیدانسته عاقبت چنین زندگی چیزی جز خشونت و درگیری و احیاناً اشکال مختلف خیانت نیست؟ و در نهایت پایان این ماجرا منجر به زن کشی میشود. هر دو باختند میترا استاد قربانی مقاصد ویلند پرواز بیپایش و نجفی قاتل و قربانی بوالهوسی که با تمام اما واگرها و ابهامات این قضیه بد جوری باخت و سوخت".

این هم نمونه دیگری از گم کردن سوراخ دعا توسط این دوستان است. آنچه در این اظهارات خودنمایی میکند اظهار نظر حول زندگی شخصی و خصوصی دو نفر مبنی بر تفاوت سنی آنان است که بر اساس عرف معمول، میترا رسماً با مردی ازدواج میکند که این کاربر آنرا

تبعیض علیه زنان یک مشخصه مهم دنیای امروز است. در بخش اعظم کشورهای جهان، زن رسماً و قانوناً از همان حقوق و آزادی های محدود و محقری هم که مردان از آن برخوردارند محروم است. در کشورهای از نظر اقتصادی عقب افتاده تر و در جوامعی که نفوذ مذهب و سنت های کهنه بر نظام سیاسی و اداری و فرهنگی جامعه عمیق تر است، ستمکشی زن و بیحقوقی و فرودستی او در آشکارترین و زعمت ترین اشکال خودنمایی میکند. در کشورهای پیشرفته تر و مدرن تر، و حتی در جوامعی که به لطف جنبش های مدافع حقوق زنان و تعرضات سوسیالیستی کارگری تبعیض جنسی علی الظاهر از بخش اعظم قوانین حذف شده است، زن همچنان در متن مکانیسم اقتصاد سرمایه داری و سنت ها و باورهای مردسالارانه جاری در جامعه، عملاً از جهات بسیار مورد تبعیض و ستم قرار دارد.

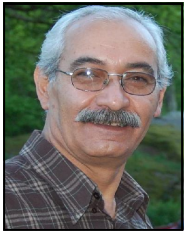
یک دنیای بهتر برنامه حزب کمونیست کارگری

"دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم، به چه منجلابی بدل می شود"

منصور حکمت

قتل زنان در حکومت اسلامی و آشفته فکری چپ ایدئولوژیک

عبدل کپریان



است که نمیتواند چنین واقعه ای را در جایگاه خود برای مخاطبینش بدرستی توضیح دهد در نتیجه ناچار است همچنان در گردونه طبقات و ایدئولوژی بدور خود بچرخد.

اگر یک مدافع جدی و پیگیر مسایل زنان بخواهد چنین واقعه ای را بطور کنکرت در جامعه تحت حاکمیت یک رژیم زن ستیز رو به مخاطب خود توضیح دهد قبل از هر چیز باید به مناسبات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حاکم بر جامعه بویژه قوانینی که اساسا برگرفته از خزعات قرآن در مورد موقعیت زن که منشا و منبع تمامی مصائب و رویدادهای موجود در جامعه است را باید توضیح دهد. آنگاه بر بستر این وارد آن واقعه معین شود.

در این ماجرا، چه میترا قاتل میبود یا نجفی، یک قتل سیاسی، و اینجا یک قتل علیه یک زن بمعنی عام صورت گرفته است. فرقی نمیکنند میترا همسر کدام مهره فاسد رژیم باشد. اینجا است که میشود وارد جایگاه قتل توسط مرد یا زن بر بستر یک قتل سیاسی شد و کاملا به کل جامعه ربط دارد. هر اتفاقی در ساختار این حکومت، از دزدی، ترس از افشای اختلاس و بالا کشیدن هستی مردم، قتل، گران شدن شیرخشک بچه، رنگ موی زن و رنگ لباس و ناخنپایش، همه و همه به مردم به کارگران و به نیروهای سیاسی و کمونیستهای جدی و پیگیر در جدال هر روزه شان با حاکمیت مربوط است. با گفتن: "برایم مهم نیست" نشان خواهی داد ستم کشی بر زن در حکومت اسلامی را نمیشناسی و در بهترین حالت همچون رسانه های سطحی نگر آنرا به یک جدال خانوادگی و شخصی تقلیل خواهی داد.

میترا استاد فارغ از اینکه چه مقام یا موقعیت حکومتی میداشت و یا بفرض اینکه او شهردار میبود و نجفی در پست وزیر آموزش و پرورش و قتل از سوی میترا انجام میشد، آذر ماجدی و یا هر کس دیگری که خود را مدافع حقوق زن (علیرغم موقعیت طبقاتی و شغلی او) میداند نباید تردیدی میداشت که قوانین اسلامی حکومت نهایتا

اسلامی در آنجا حاکمیت ندارد بقتل میرسید، بطور کنکرت بعنوان یک قتل و گرفتن جان یک انسان توسط شخص دیگری آدمکشی محسوب میشود و اگر در یک چنین حالت فرضی گفته میشد که کمونیستها یا هر جمع آدم منصف این پرونده را بررسی و به سرانجام برسانند قطعاً آن جمع از کمونیستها یا هیئت منصفه منصف از جنس ما، بعد از بررسی و روند پروسه قضایی، همسر مارگارت تاجر را بعنوان قاتل به افکار عمومی معرفی و میزان جرم او (بغیر از اعدام و حبس ابد) را برای او مشخص میکردند با این تفاوت که در انگلستان قوانین اسلامی حاکم نیست اما در ایران بند ناف این حکومت به کوچکترین تحرك زن در جامعه گره خورده و تمام تار و پود این نظام به لبخند زن، به صدای کفشپایش، به میزان آرایش، به نحوه آدامس جویدن و چگونگی مرادده اجتماعی اش پیوند خورده است. نه اینکه بگویند "اینها انسان نیستند کثیف و عفونت زا هستند سر سوزنی برای ما مهم نخواهد بود و یا بگذار از همیدیدگر بکشند!"

اگر کسی این را متوجه نباشد که موقعیت و جایگاه زن در ایران تحت حاکمیت قداره بندان اسلامی و ضد زن به قوانین تصویب شده آن که چهل سال است میکوشد بر سر تمام زنان حاکم کند و به اجرا درآورد گره خورده است، ستم کشی بر زن را نفهمیده است. آذر ماجدی فکر میکند با نامیدن زن مرفه و زن فقیر و طبقاتی خواندن آن گویا همه چیز را در مورد موقعیت فرودست زن در ایران توضیح داده است. این همان درک و متدی است که بمناسبت روز جهانی زن در ایران از مزد برابر در مقابل کار برابر زنان و مردان سخن میگفت و قادر نبود این را بفهمد که همان مزد پنج برابر زیر خط فقر کارگر مرد هم بمدت یکسال پرداخت نمیشود.

موقعیت کشورهای چون ایران، افغانستان، پاکستان، عراق، عربستان و امثالهم را نباید با انگلستان، اروپا و آمریکا مقایسه کرد. این یک کلیشه برداری ایدئولوژیک در دنیای چپ غیر سیاسی است که با چنین رویکردی

جزو مافیا بودند و برای من این اتفاق یک ذره مهم نبود چون اینها انسان نیستند". (نکات فوق نقل به معنی از سخنان آذر ماجدی در این ویدئو بود). علاقمندان به شنیدن سخنان او را به صفحه آذر ماجدی رجوع میدهم.

این واقعه از نظر من زوایای متعدد و متنوعی دارد و تنها چپ غیر سیاسی و ایدئولوژیک است که چنین واقعه ای را در دایره صرف طبقات مورد ارزیابی قرار میدهد. این نگرش و این متد همچنان قتل خانواده تزار را مشروع و موجه میداند. حتی اعدام انقلابی را موجه میداند و از این دریچه در انجماد ایدئولوژیک - طبقاتی قرار دارد که وقایعی از این دست را با این تلقیات مورد بررسی قرار میدهد.

مستقل از اینکه نجفی و میترا از بدنه نظام و متعلق به طبقه حاکمه بودند یا نه باید گفت قتل قاتل است. آدم کشی و گرفتن جان یک انسان جنایت محسوب میشود حتی اگر باندهای مافیایی آنرا انجام داده باشند قطعاً نمیتواند برای کسی جای خوشحالی باشد که دو نفر بقول آذر ماجدی "متعفن، کثیف و عفونت زا" که تاثیرات آن در اوضاع سیاسی اجتماعی کنونی در ایران بازتاب عمیق و گسترده ای داشته است گویا نباید مهم باشد.

کمونیست ها در این مسایل دخالت فعال، موثر و ریشه ای میکنند. حرف خود را میزنند و تلاش میکنند جان کسی گرفته نشود. برای اینکه جامعه را از هر قتل و جنایتی چه حال و چه در مقطع تحقق یک جامعه سوسیالیستی آنرا محفوظ و سالم نگه دارند.

این اتفاق در ایران تحت حاکمیت یک رژیم زن ستیز (حال چه از میان طبقات بالا و مرفه بوده باشد چه از بخش پایین جامعه) روی داده است. اگر این قتل توسط همسر مارگارت تاجر در انگلستان صنعتی و تماما سرمایه داری هم رخ دهد و مارگارت تاجر بعنوان زن و بعنوان نخست وزیر یک کشور صنعتی سرمایه داری که قوانین

پیرامون موضوع قتل میترا استاد بدست محمد علی نجفی، بارها گفته شد آیا این مسئله آنقدر اهمیت داشت که تا این حد بدان پرداخته میشود؟ پاسخ از نظر من مثبت است چرا؟ به این خاطر که پای یک قتل سیاسی توسط مهره ای که دوره ای در راس حاکمیت بوده و از سوی دیگر یک زن را بقتل رسانیده و دنیا میداند بقای این حکومت در ایران به مسئله زن (فارغ از موقعیت طبقاتی، سیاسی و اجتماعی زن) گره خورده است. اما برای کسانیکه این مسئله برایشان اهمیت چندانی ندارد، خواسته یا ناخواسته این واقعه را در دایره مسایل شخصی دو نفر و اینکه از نزدیکان و کاربدستان حکومت بوده اند نهایتا به این نتیجه میرسند که بگویند:

"بگذار از همیدیدگر بکشند ما که بخیل نیستیم".

آیا چنین موضع و واکنشی بمعنای شانه بالا انداختن در برابر یک معضل عمیق اجتماعی بنام زن و ستم کشی زن در قوانین اسلامی نیست؟

در همین رابطه اخیرا ویدئو کلیپی از آذر ماجدی مسئول سازمان آزادی زن را گوش دادم تا از زبان کسیکه مدعی دفاع از حقوق زن است بشنوم که چگونه به این مسئله میپردازد؟

آذر ماجدی ابتدا از مواضع طبقاتی و انسانی حرف میزند و میگوید: "اینکه عده ای از چپها هر یک از این دو موضع یعنی بخشی آنرا طبقاتی و بخشی آنرا از زاویه انسانی بررسی میکنند غلط است". او بعد از نقد از چپها، این واقعه را بی اهمیت جلوه داد و آنرا با دعوی دو باند مافیای قاچاق در یکی از کشورهای آمریکای لاتین مقایسه کرد و میگوید: "هم قاتل و هم مقتول متعلق به یک شبکه مافیایی بودند. قتل میترا استاد هیچ ربطی به ستم کشی زن در ایران ندارد". چندین بار به این اشاره میکند که: "اینها همگی جانورند، جامعه را کثیف کرده اند، عفونت، تعفن و کثافت از شان میبارد و این نمایشی مضحک بود".

آذر ماجدی در ادامه میگوید: "این دو نفر یعنی (نجفی و میترا)

میترا را همچون ریحانه، همچون دلارا و دیگر زنان با مجازات مرگ رویو میساخت. در چنین حالتی آیا دل کسانی که میگویند اینها کثیف، متعفن و غیره هستند خنک میشد؟ لاید برای این دسته از "مدافعین حقوق زن" هرچه باشد میترا استاد از بالایی ها بوده بدون اینکه به این فکر کنند که چنین عملی در جامعه تحت حاکمیت یک رژیم متحجر که با قوانین زن ستیز سرپا مانده است، این زن ستیزی را بعنوان یک پدیده مشخص نهادینه تر میکند.

در مورد مرد قاتل چه وزیر و وکیل باشد چه یک فرد فقیر و ساده، اجرای این قوانین اسلامی در مورد مرد صدق نمیکند و با جای و شیرین و تعظیم در مورد بالایی ها و با چند ماه حبس در مورد پایینی ها قضیه تمام خواهد شد.

چند ده زن را باید اسم برد که برای دفاع از حرمت و کرامت انسانی خود ناچار به انجام قتل غیر عمد در مقابل مردانی با موقعیت شغلی بالا و مردانی که در سطح پایین جامعه بودند که به اعدام و حبسهای طولانی توسط حکومت اسلامی محکوم شده اند؟ برای جمهوری اسلامی بریدن صدای زن، اعدام زن، زندانهای طولانی مدت و غیره ابتدا بساکن ابدا طبقاتی نیستند. صرف زن بودن در حکومت اسلامی نوعی جرم است. قوانین اسلامی حکومت آن فاکتوری است که در راس تمامی مسایل و اینجا مسئله زنان، فرا طبقاتی حرف اول و آخر را میزند و متاسفانه مد نظر این دوستان بویژه در خصوص مسایل زنان ابدا قرار نمیگیرد. همین قوانین است که دست مرد را در کشتن زن باز گذاشته است. آیا آندسته از مردان که قتل های ناموسی انجام داده اند مقام و موقعیتی نظیر وکیل و وزرا داشته اند؟ بسیاری از مجرمان قتلهای ناموسی در میان طیف بشدت ضعیف در پایین جامعه و از بخش فقیر بوده اند. با این تفاوت که

اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

تهیه و تنظیم: عزیزه لطفی



آزادی ناهید خداجو و حسن سعیدی

بدنبال کارزاری گسترده ناهید خداجو عضو هیات مدیره اتحادیه آزادی کارگران ایران و حسن سعیدی عضو سندیکای شرکت واحد از دستگیر شدگان روز جهانی کارگر بعد از ۳۳ روز حبس به قید وثیقه آزاد شدند. حزب کمونیست کارگری ضمن ابراز خوشحالی از آزادی آنها، بر بسته شدن پرونده قضایی تشکیل شده برای این کارگران تاکید دارد. پرونده های امنیتی تشکیل شده برای کارگران، معلمان و تمامی فعالین سیاسی باید فوراً بسته و احکام حبس آنان لغو شود.

کمپین در حمایت از زهرا محمدی

اعلان مدنی کردستان با انتشار بیانیه ای از راهاندازی کمپینی برای حمایت از زهرا محمدی، عضو بازداشت شده انجمن فرهنگی - اجتماعی نوژین خبر دادند.

در این بیانیه آمده است: در ادامه بازداشت فعالان مدنی، چند روز قبل، سه تن از فعالان شهر سنندج بازداشت که دو تن از آنان بطور موقت آزاد شدند و تا کنون سرنوشت زهرا محمدی، یکی از این بازداشت شدگان نامعلوم است. فعالان مدنی کردستان در این بیانیه اعلام کردند: ما به عنوان فعالان مدنی کردستان با راهاندازی کمپینی برای حمایت از فعالان مدنی به ویژه زهرا محمدی اقدام به جمع آوری امضا کردیم.

اعلان مدنی کردستان جمع آوری امضا برای حمایت از زهرا محمدی را گام اول این کمپین عنوان کردند و تاکید نمودند که در صورت عدم آزادی این عضو انجمن فرهنگی - اجتماعی "نوژین" مواضع خود را اعلام خواهند کرد.

روز دوشنبه ششم خردادماه، اعضای انجمن فرهنگی اجتماعی نوژین در مقابل دادگستری سنندج تجمع اعتراضی را برگزار و خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط زهرا محمدی عضو بازداشت شده این

یاسمن آریانی، بخاطر شرکت در اعتراضات مردادماه سال ۹۷، از سوی شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب تهران و به ریاست قاضی مقیسه یک سال زندان صادر کرده بود. آنها پس از گذراندن ۷ ماه از مدت زمان حبس خود، شامل عفو شده و از زندان آزاد شده بودند.

وخامت وضع جسمانی نرگس محمدی بدنبال محرومیت دارویی وی در زندان اوین

شنبه یازدهم خرداد ماه ۱۳۹۸ ، تقی رحمانی ، همسر نرگس محمدی از وخامت وضع جسمی همسرش و محرومیت دارویی وی در زندان ، پس از انجام عمل جراحی که در روزهای گذشته انجام شده بود ، خبر داد .

نرگس محمدی محبوس در زندان اوین پس از عمل جراحی و بازگردانده شدن به زندان دچار عفونت پس از عمل شده است . این عفونت به دلیل محرومیت از داروهای آنتی بیوتیک بوجود آمده است . وی روز سه شنبه ۲۴ اردیبهشت ماه جهت انجام عمل جراحی هیستریکتومی (خارج کردن رحم) ، تحت الحفظ نیروهای امنیتی به بیمارستان منتقل و تحت عمل جراحی قرار گرفته بود ، او پس از عمل به زندان برگردانده شد .

انتقال وی به بیمارستان در حالی صورت گرفت ، که دادستانی تهران علیرغم پیگیری و درخواست مکرر خانواده و وکیل او با مرخصی استعلاجی درمانی وی مخالفت کرده بود . وی نهایتاً در تاریخ ۵ خرداد ۹۸ ، علیرغم نیاز به مراقبت های پزشکی به زندان بازگردانده شد وکیل مدافع نرگس محمدی ، محمود بهزادی راد با اعطای مرخصی استعلاجی به وی خبر داد و گفته بود که موضوع برای اتخاذ تصمیم نهایی به دادستان تهران ارجاع شده است . محمود بهزادی راد در اسفندماه ۱۳۹۷ ، از مخالفت

رئیس بهداری زندان اوین با اعزام نرگس محمدی به بیمارستان خارج از زندان خبر داده و اعلام کرده بود که این امر غیرقانونی است زیرا رئیس بهداری زندان در جایگاهی نیست که بتواند بر خلاف دستور دادیار ناظر زندان عمل کند . نرگس محمدی طی این سالها سه بار تحت عمل جراحی قرار گرفته است .

وضعیت جسمانی نامناسب ناهید شقاقی در زندان اوین

ناهید شقاقی از اعضای بازداشت شده ندای زنان ایران پس از گذشت ۱۶ روز کماکان در بند ۲۰۹ وزارت اطلاعات مستقر در زندان اوین تحت بازجویی بسر برده و وضعیت جسمانی وی نامناسب گزارش شده است .

بنابر گزارشات ، وضعیت جسمانی ناهید شقاقی مدافع حقوق زنان و از اعضای ندای زنان ایران محبوس در بند ۲۰۹ زندان اوین به دلیل سابقه بیماری از ناحیه ستون فقرات و بازجویی های طولانی مدت نامناسب گزارش شده است . کاوه شقاقی برادر ناهید شقاقی طی یادداشتی در صفحه شخصی خود در اینستاگرام با اعلام این خبر نوشت: "خواهر ناهید شقاقی پس از گذشت دو هفته از بازداشت همچنان در بلاتکلیفی بسر می برد و مسئولان زندان پاسخگوی مراجعات مکرر خانواده نیستند و این در حالیست که ناهید دارای سابقه آسیب دیدگی در ناحیه ستون فقرات است و در تماس آخرش از زندان از درد شدید در محل مهره ها و دنبالچه به علت نشستن طولانی در طی بازجویی ها شکایت داشت ." مأموران وزارت اطلاعات صبح روز چهارشنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۸ ناهید شقاقی ، مدافع حقوق

زنان و عضو «ندای زنان ایران» را در منزل شخصی اش بازداشت و به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل کردند. سارا شقاقی مادر ناهید شقاقی ، در ویدیویی که پیش تر در شبکه های اجتماعی منتشر شد گفته بود: "دختر من چه جرمی مرتکب شده که او را برده اند، به جز اینکه به سیل زدها و زلزله زدها و بی سوادها کمک کرده".

تعیین زمان دادگاه رسیدگی به اتهامات گلرخ ایرایی و آتنا دائمی در پرونده جدید

جلسه دادگاه رسیدگی به اتهامات آتنا دائمی و گلرخ ایرایی در تاریخ ۱۸ خردادماه ۹۸ در دادگاه انقلاب تهران برگزار خواهد شد. در روزهای سه شنبه و چهارشنبه، هفتم و هشتم خردادماه ، کیفرخواست پرونده جدید گلرخ ایرایی زندانی سیاسی سابق و آتنا دائمی زندانی محبوس در زندان اوین پس از حضور در دادگاه انقلاب تهران به صورت جداگانه به آنها

ابلاغ شد. این کیفرخواست در رابطه با پرونده جدیدی است که در دوران حبس و در زندان اوین به اتهام اهانت به بنیانگذار جمهوری اسلامی و رهبری علیه آتنا دائمی و گلرخ ایرایی باز شده بود. گفتنی است که گلرخ ایرایی و آتنا دائمی، در اعتراض به اجرای حکم اعدام سه زندانی سیاسی ، رامین حسین پناهی، زانیار و لقمان مرادی، در حین خواندن سرود در سالن ملاقات این عمل را انجام داده اند.

بحران آب در چابهار؛ دانش آموز حین برداشت آب آشامیدنی از گودال جان باختند

رییس اداره آموزش و پرورش بخش دشتیاری چابهار از مرگ ۳ دانش آموز بر اثر غرق شدن در گودال آب خبر داد و گفت: این دانش آموزان از روستای "کومبازار" یا "ولی محمدبازار" هستند که برای برداشت آب به داخل "هوتگ" افتاده و غرق شدند

شورای نگهبان با اعطای تابعیت به فرزندان مادران ایرانی بصورت مشروط موافقت کرد

شورای نگهبان با لایحه اعطای تابعیت به فرزندان زنان ایرانی دارای همسر خارجی که پیشتر توسط مجلس شورای اسلامی تصویب شده بود بصورت مشروط موافقت کرد . سخنگوی این شورا علت مشروط بودن موافقت با این لایحه را نادیده گرفتن سوابق کیفری افراد متقاضی تابعیت ایرانی اعلام کرده است.

مرنده؛ بازداشت پدري که دختر ۳ ساله اش را مورد ضرب و شتم قرار داده بود

پدري که هفته گذشته در یکی از روستاهای شهرستان مرند اقدام به ضرب و شتم دختر سه ساله خود کرده بود توسط پلیس این شهر بازداشت و تحویل مرجع قضایی شد . این کودک در پی ضرب و شتم از بیمارستان مرند به تبریز و سپس به شیرخوارگاه منتقل شده بود

گزارشی از دیدار شیرین شمس بنمایندگی انقلاب زنانه با عفو بین الملل و فراخوان نه به حجاب اجباری

روز سه شنبه ۷ خرداد ۹۸ ، برابر با ۲۸ مه ۲۰۱۹ ، شیرین شمس بنمایندگی از انقلاب زنانه در يك هیات سه نفره ، با نمایندگان سازمان

سوال یک دوست ناسیونالیست

اصغر کریمی پاسخ میدهد



سؤال: عامل اتحاد يك ملت که از اقوام و گرایشات مختلف دینی و سیاسی تشکیل شده اند در درون مرزهای مشخص يك کشور چه چیزی میتونه باشه؟ اگر میهن پرستی و یا میهن دوستی وجود نداشته باشه، در مواقع حیاتی مثل تجاوز يك کشور بیگانه چه عاملی محرک و انگیزاننده افراد برای از خودگذشتگی برای دفاع هست؟ لطفا کسانی که مخالف ناسیونالیسم هستند پاسخ سوال من را بدهند.

و آنها را امت واحد تعریف میکند و یکی تحت نام ملت اینکار را میکند. هر دو یک کارکرد دارد. هر دو ارتجاعی است. هر دو عمیقترین شکاف ها را ایجاد میکند و هر دو چماقی است برای سرکوب علیه آتهائی که به این خرافات و سیاست های ضدانسانی تن نداده اند تحت نام تجزیه طلب و ملحد. آیا حقانیت سیاست کمونیست های کارگری برای ایجاد پیوندهای محکم میان مردم به حد کافی روشن نیست؟

بورژوازی همیشه به شکاف های ملی نیاز دارد تا "ملت" را حول منافع طبقاتی خود به کمک ناسیونالیسم به میدان آورد و متردین را تحت عنوان خیانت به وطن و وطن فروش و تجزیه طلب و امثالهم سرکوب کند. این کل داستان است. حال اگر در درون مرزها موفقیتی نصیبش نشده يك بحران برون مرزی می آفریند یا بر اسب بحران مرزی ساخته شده توسط دولت همسایه سوار میشود و حتی جنگ را هم برکتی میداند که به کمک آن روند مبارزه طبقاتی علیه خود را به سمت و سوی دیگری سوق دهد و خود را از خطر برهاند. جنگ ها همیشه برای بورژوازی خاصیت داشته است.

میبینیم که ناسیونالیسم تا چه اندازه از ریشه و بنیاد غیر انسانی است. کسی که واقعا آزادی میخواهد و میخواهد آزاداندیش و انساندوست باشد باید دست از ناسیونالیسم بردارد و این خرافه را از سر بدر کند. اگر دنیا دست سوسیالیست ها و کمونیست ها بود همه مردم دنیا در صلح و صفا با هم زندگی میکردند و این مرزهای لعنتی که طوقی بر گردن بشریت است برای همیشه از میان میرفت. نه سرکوبی در کار بوده نه تجزیه ای و نه تجزیه طلبی. *

از صفحه ۴

قتل زنان در حکومت اسلامی و ...

در مقابل آنان تعظیم، جای و شیرینی در کار نیست. کافی است قاتل زن مرد باشد تا با آسودگی تمام بعد از انجام جنایتش خود را در حمایت قانونگزاران زن کشتی که دست او را در قتل زن باز گذاشته اند احساس کند.

میخواهم بگویم که مسئله زن در حکومت اسلامی قبل از اینکه جنبه طبقاتی داشته باشد دارای پتانسیلی عمیقا ضد انسانی و متکی بر قوانین و فرامین اسلامی است. در نظام جمهوری اسلامی کافی است زن باشید چه بورژوا چه کارگر. قوانین اسلامی در مقابل هویت طبقاتی قتل عمد توسط مرد کور است و طبقات را نمیشناسد. مباح و مشروع است همانطور که به همان میزان نیز در مقابل هویت طبقاتی قتل غیر عمد توسط زن نیز کور است و برعکس جزایش قصاص و اعدام است. قتل عمد توسط مرد مشروع و قتل غیر عمد توسط زن پاسخش در قوانین اسلامی قصاص است. اگر کسی این را نبیند و شانه هایش را در مقابل جنایت علیه زن در نظام جمهوری اسلامی بالا بیندازد همان اندک درک و نظر طبقاتی اش هم بدر هیچی نمی خورد و نهایتا خواهد گفت: "یک سرسوزن برای من مهم نیست و هیچ ربطی به ستم کشتی زن ندارد".

اینکه بنیاد ستم کشتی زن را باید در مناسبات سرمایه داری دید و توضیح داد يك مسئله عام برای نشان دادن ریشه یابی این ستم است. تنها کسانی این بعد از مسئله را میبینند که بازتولید

کنندگان این ستم در ظرفیت قوانین اسلامی که عمیقا زن را انسان محسوب نمیکند و او را مستحق هر گونه رفتار شقاوت آمیزی میدانند نگاه نمیکند. به این خاطر است که گویا زنان بخش مرفه جامعه از هرگونه گزند (قوانین اسلامی) در امان هستند.

زنان در ایران تحت يك مناسبات سرمایه داری حتی شبیه ترکیه زندگی نمیکند که جایگاه مبارزه طبقاتی زنان را با آن مقایسه کرد و توضیح داد. موقعیت زن در جامعه ایران و کشورهای اسلام زده ویژه است و این را باید فهمید. در نظام اسلامی ضد زن که ماهیتش بر آپارتاید جنسیتی شکل گرفته است کافی است زن باشید.

به همسران زن تمامی مقامات حکومتی نگاه کنید. همه آنان از نظر اقتصادی در ناز و نعمت، در رفاه، در خوشگزرانی و بهرمنند از تمامی امکانات که هستی و دسترنج نود و نه درصد جامعه است بسر میبرند. با این وصف بر پهنه این رفاهیات و ناز و نعمت، از نظر سیاسی، اجتماعی، انسانی و جنسیتی همچنان درجه دو، برده جنسی، تحقیر شده، و محروم از حقوق برابر با همسران خود هستند. اینکه خود آنان عمیقا این را پذیرفته اند و حتی در بقای این نظام شریک و سهیم هستند نمیتواند و نباید این مهم را از نظر دور دارد که ساختار اسلامی زینه ها حتی به همسران خود شبیه حیوان مینگردند. آیا این به ستم کشتی زن بعنوان جنسیت ربطی ندارد؟ وقتی

کسی میگوید "برایش مهم نیست" معنی جز این ندارد که بگوید همسران کاربدستان حکومتی مستحق تبعیض جنسیتی هستند بگذار همچنان برده و درجه دو و چهار زن در کنار يك آیت الله مفتخور و کلاش به زندگی خود ادامه دهند؟! چنین رویکرد و درکی از تلاش برای رفع ستم و نابرابری زن در جامعه تحت حاکمیت قوانین اسلامی و ضد زن ایدا درک و رویکردی مسئولیت پذیرانه نیست و نمیتواند در قامت صاحب جامعه به معضلات عدیده زنان پاسخ روشن و راهگشا بدهد.

نتیجتا اینکه در بررسی و پرداختن به مواردی نظیر مسئله میترا و نجفی باید دید که این قتل و این جنایت در ایران تحت حاکمیت اسلامی رخ داده است. با اینکه هر دو در مقام و موقعیت شغلی بالا بوده اند، انجام این قتل توسط نجفی زینه با تعظیم و تشکر همراه است اما اگر میترا این قتل را انجام میداد طناب دار در انتظارش بود.

این همان ویژگی در مناسبات حاکم بر جامعه ایران است که با اتکا به قوانین اسلامی زن را اگر قتلی انجام داده باشد و حتی در مقام وزیر و وکیل باشد باز هم او را بنا به قوانین اسلامی "به جزای اعمالش خواهند رساند". این آن ویژگی ای است که متفکرین چپ غیر سیاسی و ایدئولوژیک حتی در عرصه مسایل زنان در ایران نیز قادر به درک آن نیستند.

شنبه ۱۱ خرداد ۱۳۹۸

نفس ستمکشی و فرودستی زن اختراع سرمایه داری نیست. اما سرمایه داری این میراث نفرت انگیز تاریخ پیشین را تکامل بخشیده و به یک رکن مناسبات اقتصادی و اجتماعی معاصر بدل کرده است. ریشه نابرابری و بی حقوقی امروز زن، نه در افکار کهنه و میراث فکری و فرهنگی نظام ها و جوامع منقرض شده و پیامبران و مذاهب عصر جاهلیت، بلکه در جامعه سرمایه داری صنعتی و مدرن امروز نهفته است. نظامی که به تقسیم جنسی انسان ها در قلمرو تولید به عنوان یک عامل مهم اقتصادی و سیاسی در تضمین سودآوری سرمایه مینگرد. ایجاد انعطاف پذیری نیروی کار در اشتغال و اخراج، ایجاد شکاف و رقابت و کشمکش درونی در اردوی مردم کارگر، تضمین وجود بخش های محروم تر در خود طبقه کارگر که پائین نگاهداشتن سطح زندگی کل طبقه را مقدرور میسازد و بالاخره مقدوش کردن خودآگاهی انسانی و طبقاتی بشریت کارگر و دوام بخشیدن به آراء و افکار و تعصبات کهنه و پوسیده و فلج کننده، برکات ستمکشی زن برای سرمایه داری مدرن معاصر و از ارکان انباشت سرمایه در دنیای امروز است. اعم از اینکه سرمایه داری ذاتا و بطور کلی با برابری زن خوانایی داشته باشد یا خیر، سرمایه داری انتهای قرن بیستم بطور مشخص خود را بر این نابرابری بنا کرده است و به سادگی و بدون مقاومت سرسختانه و قهرآمیز از آن عقب نمی نشیند.

یک دنیای بهتر برنامه حزب کمونیست کارگری

اطلاعیه های حزب

اطلاعیه خبری:
۱۲ خرداد: آزادی ناهید خداجو و حسن سعیدی
و دو اعتراض کارگران



- بدنبال کارزاری گسترده ناهید خداجو عضو هیات مدیره اتحادیه آزادی کارگران ایران و حسن سعیدی عضو سندیکای شرکت واحد از دستگیر شدن روز جهانی کارگر بعد از ۳۳ روز حبس به قید وثیقه آزاد شدند. حزب کمونیست کارگری ضمن ابراز خوشحالی از آزادی آنها، بر بسته شدن پرونده قضایی تشکیل شده برای این کارگران تاکید دارد. پرونده های امنیتی تشکیل شده برای کارگران، معلمان و تمامی فعالین سیاسی باید فوراً بسته و احکام حبس آنان لغو شود.

- روز ۱۲ خرداد، کارگران پروژه البرز مال کرج در اعتراض به بالاتر کفیفی شغلی و وضع نابسامان معیشتی خود مقابل ساختمان مرکزی بانک سامان واقع در خیابان ولی عصر تهران تجمع کردند. کارکنان این پروژه یک سال و نیم است که حقوق های خود را دریافت نکرده اند. بنا بر خبرها پروژه البرز مال که در زیربنای ۲۳۳ هزار متر مربع در شهر کرج در حال ساخت بوده، حدود ۴ ماه است که توسط بانک سامان پلمپ و متوقف شده است. در این میان کارگران این پروژه، چندین ماه است که به دنبال مطالبه حق و حقوق خود از بانک سامان هستند. بخشی از این طلب از شرکت قبلی است. بدین ترتیب زندگی و معیشت این کارگران بازیچه دست مشتکی سرمایه دار دزد شده است که کارگران را به یکدیگر پاس میدهند. به گفته کارگران بانک سامان در این پروژه با یک شرکت خصوصی به صورت مشارکتی قرارداد داشته و به دلیل مشکلات مالی آن شرکت، در تاریخ دوم اسفندماه سال گذشته این پروژه را پلمپ کرده است. - کارگران شهرداری کوه عبدالله اهواز در ادامه اعتراضات دو روز گذشته خود بخاطر تعویق پرداخت ۴ ماه دستمزد خود بار دیگر مقابل استانداری تجمع کردند.

پیش بسوی اعتصابات سراسری کارگری
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۳ خرداد ۹۸، ۳ ژوئن ۲۰۱۹

اعتصاب کارگران کاغذ سازی پارس شوش

روز ۱۲ خرداد تعدادی از کارگران کاغذسازی پارس در شهرستان شوش در اعتراض به پرداخت تنها ۵۰۰ هزار تومان از دستمزد اردیبهشت ماه خود بصورت علی الحساب و با خواست بازنگری طرح طبقه بندی مشاغل، در مقابل دفتر مدیریت دست به تجمع زدند. در این شرکت بیش از ۵۰۰ کارگر در شیفت شب و صبح مشغول به کار میباشند. در جریان حرکت

اعتراضی اخیر یکی از کارگران با شکایت کارفرما بازداشت شد و این موضوع بر اعتراض کارگران شدت داد. زیر فشار اعتراض کارگران رئیس اداره کار وعده رسیدگی به خواستهای کارگران و آزادی همکارشان طی امروز و فردا را داده است. کارگران بر آزادی فوری همکار دستگیر شده شان تاکید دارند.

دستگاه قضایی جمهوری اسلامی جزئی از سیستم سرکوب و چپاول حاکم است و در خدمت بساط دزدی کارفرمایان، قرار داشته و کارگران معترض را که طلبهای به سرقت رفته شان را میخوانند مورد پیگرد و دستگیری قرار میدهد.

کارگران کاغذ سازی پارس دو سال است که به انحاء مختلف اعتراض خود را به نحوه اجرای تفرقه افکنانه طرح طبقه بندی مشاغل اعلام کرده و خواستار بازنگری در آن شده اند. اما کارفرما زیر بار آن نرفته است. به گفته کارگران این طرح که با اجرائش چندرغازی به دستمزدهای آنان اضافه میشود، در این شرکت به گونه ای اجرائی شده که همه کارگران به صورت مساوی از مزایای آن برخوردار نیستند. کارگران کاغذ سازی پارس به این تفرقه افکنی ها اعتراض دارند و اجرای درست طرح طبقه بندی را حق خود میدانند. خواست واقعی کارگران کاغذ سازی پارس افزایش سطح دستمزدهایشان است.

موضوع دیگر اعتراض این کارگران بیمه تکمیلی است. بر اساس این بیمه هر ماه مبالغی از حقوق کارگران کسر میشود اما به آنان خدماتی واگذار نمیشود. بیمه تکمیلی راهی برای بالا کشیدن بیشتر از حقوق کارگران و بخش های مختلف جامعه است. از جمله معلمان بارها با شعار بیمه کارآمد، درمان رایگان است، بر خواست درمان رایگان برای همه تاکید کرده اند. یک خواست مهم قطعنامه های روز جهانی کارگر درمان رایگان و با استاندارد انسانی و قابل قبول برای همه مردم است.

پیش بسوی اعتصابات سراسری کارگری
حزب کمونیست کارگری ایران
۹ خرداد ۹۸، ۳۰ مه ۲۰۱۹

اطلاعیه خبری:

اعتراضات معلمان برای آزادی همکاران زندانی خود و چند اعتراض کارگران

روز ۱۲ خرداد شماری از معلمان مریوان در اعتراض به حکم انفصال محمد حبیبی تجمع کردند. آنها دست نوشته هایی با عنوان "دانشجو معلم اتحاد اتحاد"، "ما خواهان آزادی بی قید و شرط فعالیت صنفی هستیم" صدای اعتراضشان را بلند کردند. روز شنبه ۱۱ خرداد نیز جمعی از معلمان کرمانشاه در حمایت از معلمان زندانی با دست نوشته هایی با شعار "جای معلم زندان نیست"، "توطئه انفصال خدمت محمد حبیبی را محکوم میکنیم"، دست به تجمع زدند. معلمان کرمانشاه طی بیانیه ای خواستار آزادی فوری محمد حبیبی و تمامی معلمان زندانی و بازگشت بکار حبیبی شدند. در همین راستا قبل از آن نیز نهم خرداد ماه، معلمان در اردبیل. با هشتک نه به وثیقه و نه به اخراج محمد حبیبی و با خواستهای تحصیل رایگان برای همه کودکان، افزایش حقوقها به بالای خط فقر هفت میلیونی، درمان رایگان، پایان دادن به کالایی کردن آموزش، پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات، آزادی تمامی همکاران بازداشت تجمع داشتند و با شعارهای معیشت، منزلت، حق مسلم ماست"، "معلم زندانی آزاد باید گردد" دست

به اعتراض زدند. در همان روز معلمان در اصفهان تجمع اعتراضی مشابهی برپا داشتند.

- روز شنبه ۱۱ خرداد ماه، مریبان پیش دبستانی خوزستان در اعتراض به عدم استخدام خود با شعار "استخدام، استخدام، حق مسلم ماست"، مقابل اداره آموزش و پرورش استان دست به تجمع اعتراضی زدند. جمهوری اسلامی با سرباز زدن از استخدام رسمی معلمان پیش دبستانی با ارزانتترین هزینه نیروی هزاران نفر از معلمان را به استثمار میکشد. استخدام رسمی معلمان حق التدریسی و پیش دبستانی خواست فوری همه معلمان است.

- طی روزهای ۱۱ و ۱۲ خرداد کارگران شهرداری کوه عبدالله منطقه ۵ شهرستان کارون در خوزستان در اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه دستمزد خود مقابل درب استانداری تجمع کرده و اعتراض کردند.

- روز ۱۱ خرداد کارگران معدن سرب کوشک بعد از ۱۴ روز بدنبال وعده های فرمانداری شهرستان بافق موقتاً به اعتصاب خود خاتمه دادند. اعتراض این کارگران به کاهش سطح دستمزدهایشان بود. این درحالیست که همین امروز دستمزد کارگران چند برابر زیر خط فقر است و یک بند قطعنامه های اول ماه مه کارگران افزایش دستمزدها در گام اول به بالا تر از رقم هفت میلیونی خط فقر بود.

- روز ۱۱ خرداد خانواده های هفت نفر از بازداشت شدگان روز جهانی کارگر که همچنان در زندان بسر میبرند، مقابل دادسرای اوین تجمع کردند. بنا بر آخرین خبرهای منتشر شده به گفته بازپرس پرونده «عاطفه رنگرین» به درخواست وزارت اطلاعات، با پایان مدت بازداشت وی، عاطفه به زندان قرچک ورامین منتقل شده است. بازداشت "ندا ناجی" یکی دیگر از بازداشت شدگان اول مه نیر ۱۲ روز تمدید شده است. اما از وضعیت «مرضیه امیری» و کیوان صمیمی اطلاعی در دست نیست. گفتنی است که برای ناهید خداجو از اعضای هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران قرار وثیقه ۱۵۰ میلیون تومانی و برای حسن سعیدی از اعضای سندیکای شرکت واحد قرار وثیقه ۳۳۰ میلیون تومانی تعیین شده است. ناهید خداجو با قرار وثیقه مخالفت کرده است، اما خانواده او و نیز خانواده حسن سعیدی در تلاش برای تهیه این وثیقه و آزادی عزیزانشان هستند. یک کارزار مهم امروز کارگران و معلمان کارزار # نه به وثیقه است.

روز ۱۲ خرداد کارگران نیروگاه سیکل ترکیبی آبادان در اعتراض به عدم دریافت حقوق و مزایای خود و قراردادهای پیمانی برای چندمین روز متوالی در مقابل درب مدیریت این نیروگاه تجمع کردند. به گفته کارگران حقوق و مزایای آنان همچون سالیان قبل هر ماه با تاخیر و بصورت علی الحساب پرداخت میگردد. کارگران خواستار تمامی طلبهایشان و تبدیل قراردادهای پیمانی و قرار داد دائم هستند. بخش عظیمی از کارگران با نوع قرار دادهای برده وار موقت پیمانی به کار اشتغال دارند کوتاه شدن دست پیمانکاران از محیط های کار و بستن قراردادهای دائمی کاری یک خواست فوری همه کارگران است.

پیش بسوی اعتصابات سراسری کارگری
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۲ خرداد ۹۸، ۲ ژوئن ۲۰۱۹

پیش به سوی ایجاد شوراها کارگری

از صفحه ۵ اخبار و گزارشات هفتگی...

در باره دستگیری و صدور احکام زندان و شلاق برای وکلای دادگستری در ایران



موارد بازداشت وکلای دادگستری در ایران و صدور احکام سنگین زندان و شلاق علیه آنها توسط دستگاه قضایی جمهوری اسلامی همچنان ادامه دارد. در تازه ترین این موارد امیرسالار داودی، وکیل دادگستری به ۳۰ سال زندان و ۱۱۱ ضربه شلاق محکوم شده است.

واقعیت این است نفس تعرض و حمله جمهوری اسلامی به وکلای دادگستری، ماهیت جنایتکارانه سیستم قضایی حاکمین اسلامی را بطور عریان نشان میدهد. بیشتر وکلایی که مورد غضب و سرکوب جمهوری اسلامی قرار گرفته اند وکلایی بوده اند که مسئولیت پرونده های به اصطلاح امنیتی را بر عهده داشته اند. جرایم "امنیتی" در ایران معمولاً شامل حال کسانی می شود که در دفاع از حقوق زنان، دانشجویان، کارگران به فعالیت های مدنی و اجتماعی می پردازند. از آنجایی که انجام چنین فعالیت هایی بقای حکومت را به خطر می اندازد، از آن به عنوان به خطر افتادن امنیت کشور یاد می کنند. در جمهوری اسلامی حق داشتن وکیل بیشتر از اینکه مبین داشتن حقی باشد فرمایشی و نمایشی است. جمهوری

اسلامی حکومت اعدام و دادگاه های صحرایی است. این را همه می دانند. با اینحال همان قانون نیم بند درباره حق دفاع، زمانی که به پرونده های جرایم "امنیتی" می رسد با محدودیت های فراوانی روبرو می شود. بنا به تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری حق انتخاب آزادانه وکیل از متهمین به برخی جرایم مهم از جمله جرایم "امنیتی" سلب شده، و تنها وکالت وکلای مورد اعتماد قوه قضائیه در این امور پذیرفته می شود.

همانطور که اشاره شد شماری از وکلا به دلیل دفاع از فعالین مدنی و اجتماعی، خود به "اقدام علیه امنیت کشور" محکوم شده اند و تعدادی از این وکلا مجازات های حبس طولانی مدت دریافت کرده، یا ممنوع الخروج شده و یا ناگزیر به ترک کشور شده اند. وکلایی نیز هستند که به خاطر تهدید و فشار از حرفه خود دست کشیده و خود را بازنشسته کرده اند. عده ای از وکلا نیز از تدریس در دانشگاهها منع شده اند.

کمیته بین المللی علیه اعدام اعمال هر گونه فشار و سرکوب علیه وکلای دادگستری را شدیداً محکوم میکند. دفاع این وکلا از

فعالین اجتماعی تنها روزنه امید حقوقی موکلشان برای نشان دادن پوچ بودن اتهاماتی است که به آنها زده شده است. دستگیری و بازداشت این وکلا و صدور احکام سنگین زندان علیه آنها حتی این دریچه کوچک حقوقی را از بی گناهان و فعالین مدنی زندانی سلب می کند.

کمیته بین المللی علیه اعدام خواهان لغو همه احکام صادر شده علیه وکلایی است که جرمی جز دفاع از موکلین خود انجام نداده اند. این وکلا باید بدون قید و شرط آزاد شوند و از آنها رفع اتهام شود. هر گونه اذیت و آزار وکلا باید خاتمه یابد و موقعیت شغلی آنها نباید با خطر روبرو گردد.

ما در عین حال از استقلال نهاد وکلای دادگستری در ایران مبتنی بر رای و انتخاب آزادانه در مجمع عمومی این نهاد حمایت می کنیم و هر گونه دخالت دولت در امور مربوط به کانون مستقل وکلا را مردود می دانیم. از نظر ما استقلال حقوقی کامل قضا، دادگاه ها و سیستم قضایی از قوه مجریه یک شرط مهم برای تامین عدالت قضایی در ایران است. دست دولت باید بطور قطع از اعمال نظر در نهاد وکلا کوتاه باشد. کمیته بین المللی علیه اعدام همگان را به مبارزه برای پایان دادن به تزییقات علیه وکلای دادگستری در ایران فرا می خواند.

کمیته بین المللی علیه اعدام
۱۲ خرداد ۱۳۹۸
۲ ژوئن ۲۰۱۹

عفو بین الملل در شهر استکهلم دیداری داشت که بلافاصله و کمتر از دو ساعت بعد از آن، سازمان عفو بین الملل (امنستی اینترنشنال (فراخوان حمایت از زنان ایران و دفاع از مبارزه علیه حجاب اجباری در ایران با هشتگ #نه به حجاب اجباری داد.

در این جلسه، از طرف انقلاب زنانه به موضوع جنبش راهی زن در ایران، مبارزه علیه حجاب اجباری و بازداشت فعالین حقوق زنان، همچنین مبارزات دانشجویان علیه وضع موجود و بازداشت فعالین این عرصه پرداخته و به سوالات نمایندگان امنستی در خصوص دلیل روند رو به افزایش بازداشت فعالین پاسخ داده شد.

همچنین لیستی از فعالین حقوق زن و عرصه نه به حجاب اجباری که در زندانند، فعالین دانشجویی دربند، اعضا نشریه گام در زندان و نیز بازداشت شدگان اول ماه مه با آخرین جزئیات وضعیت بازداشت، به نمایندگان امنستی ارائه شد.

خواسته ای که انقلاب زنانه از سازمان عفو بین الملل مطرح کرد، محکومیت جمهوری اسلامی در خصوص سرکوب فعالین و خشونت های قانونی و قضایی علیه فعالینی است که به دلیل حق خواهی، پشت میله های زندانند. شیرین شمس از امنستی خواست که طی مکاتبات کتبی با قوای سه گانه حکومت و رونوشت به مراجع بین المللی، جمهوری اسلامی را بدلیل نقض آشکار حقوق انسانی محکوم کرده و حکومتی که مسئولانش در مجامع بین المللی ادعا میکنند "در ایران زندانی سیاسی نداریم" را ملزم به پاسخگویی کنند.

همچنین خواسته شد که این سازمان برای آزادی فوری این فعالین اقدامی در دستور کار خود قرار دهد و برای آزادسازی فعالین امنیتی قربانی بنمایندگی از کارزار پشتیبانی از کارگران ایران و هوشیار سروش از طرف نهاد "فری دم نو /الان آزادشان کنید" نیز ضمن اطلاع رسانی درباره کارگران و معلمان و فعالین این عرصه ها که در زندانند، این خواسته مشترک را مطرح کردند.

شیرین شمس از عفو بین الملل خواست قاطعانه از مبارزه علیه حجاب اجباری که امروز یک مبارزه فراگیر و تعیین کننده نه فقط در سرنوشت زنان بلکه در سرنوشت اکثریت جامعه است حمایت کند، همچنین خواست از مبارزات زنان در ایران که نیروهای قوی و محرکه، در صف مقدم و جزء سازماندهندگان و رهبران اعتراضات علیه وضع موجود بوده و هستند، با تمام قوا و امکاناتی که دارند دفاع کند.

فراخوان عفو بین الملل به حمایت از زنان در ایران با هشتگ #نه به حجاب اجباری یک دستور مهم تاثیر گذار این دیدار بود. این سازمان قبل تر گزارشی در مورد مبارزه علیه حجاب اجباری در ایران تهیه و منتشر کرده بود، اما این اولین بار بود که سازمان عفو بین الملل (امنستی اینترنشنال (این فراخوان مهم را رو به جامعه جهانی اعلام کرد.

۲۸ مه ۲۰۱۹
۷ خرداد ۹۸

سیستم قضایی و مفهوم عدالت قضایی در هر نظامی انعکاسی از مناسبات اجتماعی و بنیادهای اقتصادی و سیاسی در آن است. قلمرو قضا، اعم از پیکره قوانین و تلقی حاکم از حق و انصاف و عدالت تا نهادها و سیستم اداری و روش قوه قضائیه، بخشی از روینای سیاسی در جامعه است که شالوده اقتصادی و طبقاتی موجود در جامعه را حراست میکند. به این اعتبار عدالت قضایی واقعی و برخوردار ی یکسان همه از آن، و قضاوت و حکمیت براساسی مستقل و منصفانه، منوط به دگرگونی بنیادی جامعه طبقاتی موجود است.

یک دنیای بهتر برنامه حزب کمونیست کارگری

علیه تبعیض

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!